



اصول سیره اقتصادی پیامبر اسلام(ص)/ آیا پیامبر(ص) قرض هم می گرفت؟

از منظر این روایات، پیامبر اکرم(ص) با وجود منصب نبوت و رهبری، اهل کار و تلاش برای کسب درآمد حلال بود. ایشان در کنار راه های مادی به راه های معنوی، همچون توکل، دعا، استغفار، توبه، امانت داری و ترک خیانت، دائم الوضوء بودن و ازدواج، بی توجه نبود.

خبرگزاری مهر - از منظر این روایات، پیامبر اکرم(ص) با وجود منصب نبوت و رهبری، اهل کار و تلاش برای کسب درآمد حلال بود. ایشان در کنار راه های مادی به راه های معنوی، همچون توکل، دعا، استغفار، توبه، امانت داری و ترک خیانت، دائم الوضوء بودن و ازدواج، بی توجه نبود.

نیاز انسان ها به مواهب طبیعی، اقتصاد و معیشت در زندگی مادی، امری ضروری است و در این اصل کلی تفاوتی میان انسانها نیست. آنچه منشأ تفاوت در اخلاق اقتصادی انسانهاست نوع رفتار آنان در کسب روزی و معیشت و درآمد و نیز چگونگی بهره گیری و مصرف است. پیامبر اعظم(ص) در این دو عرصه (درآمد و مصرف) ویژگیهای درس آموزی دارد.

ایشان در عرصه درآمد، همچون دیگران به فعالیت هایی مانند چوپانی، تجارت و زراعت اشتغال داشتند و ضمن اینکه از جلب روزی از راه های معنوی نیز غافل نبودند، به وقت ضرورت قرض هم می کرد. اهتمام آن جناب بر حلال بودن درآمد قابل توجه است. در عرصه مصرف نیز قناعت و ساده زیستی، عدالت و احتیاط در مصرف بیت المال، پرهیز از اسراف و تبذیر و بالاخره انفاق در راه خدا از اصول قابل توجه در سیره اقتصادی پیامبر اعظم(ص) است.

در اخلاق اقتصادی پیامبر اکرم(ص) اصولی به چشم می خورد که برای هر مسلمان طالب رفتار درست اقتصادی، درس آموز و شایسته پیروی است. هرچند رفتارهای اقتصادی پیامبر اکرم(ص) هم در حیات فردی و هم در حیات اجتماعی آن حضرت نمود داشته، اما از آنجا که اخلاق اقتصادی پیش از نمود اجتماعی، نمود فردی هم دارد و انسان ها با صرف نظر از زندگی جمعی نیز بی نیاز از اقتصاد و معیشت نیستند، از این رو اصول مربوط به اخلاق اقتصادی حضرت در بخش اخلاق فردی طرح می شود، هرچند بخشی از این اصول، مربوط به اخلاق اجتماعی است. این اصول را می توان در دو بخش کلی درآمد و مصرف مطرح و بررسی کرد.

احتیاط به معنای عمل کردن به گونه ای فراتر از مقتضای عدالت است. پیامبر اکرم(ص) در تقسیم بیت المال اصل «عدالت» را مبنای عمل قرار داد، اما در مصرف شخصی خویش براساس اصل «احتیاط» عمل می کرد. از جمله شواهد عملکرد حضرت بر مبنای عدالت، می توان به جریان تقسیم غنایم جنگ حنین اشاره کرد، زیرا آن حضرت در تقسیم غنایم به دست آمده در این غزوه، به برخی از تازه مسلمانان سهم بیشتری را به منظور تألیف قلوب و تأمین مصالح، اختصاص داد و آنگاه که با اعتراض یکی از اصحاب روبه رو شد که گفت: «ای محمد! عدالت پیشه کن!»، آن حضرت در پاسخ فرمود: «و یحک فمن یعدل إن لم أعدل؟» وای بر تو، اگر من عدالت نورزم، دیگر چه کسی به عدالت رفتار خواهد کرد؟»

پیامبر اکرم(ص) در بهره مندی شخصی از بیت المال، احتیاط می کرد و از اطرافیان نیز توقع داشت این گونه عمل کنند. عملکرد محتاطانه آن حضرت درباره بیت المال به گونه ای بود که جز به قدر نیاز یک ساله خویش، آن هم از نوع غیر مرغوب آن بر نمی داشت و بخشی از آنرا نیز انفاق می کرد تا آنجا که خود پیش از پایان سال نیازمند می شد.

در تقسیم بیت المال به قدری حساس و محتاط بود که پیش از پایان روزی که مالی به دستش رسیده بود تمامی آن را تقسیم می کردند. با توجه به این روحیه محتاطانه آن حضرت، اطرافیان، به ویژه آنان که بنا بود نقش رهبری جامعه را بر عهده گیرند، را به همین منوال تربیت می کرد تا حدی که بهره مندی دخترش فاطمه(ع) از گردن بندی که از سهم شوهرش از بیت المال تهیه شده بود و نیز آویخته شدن پرده ای به خانه فاطمه(ع) را نیز بر نمی تابید و اکراه آن حضرت، موجب شد فاطمه(س) نیز از سهم حلال و مشروع خویش از این مظاهر مادی چشم بپوشد.

مصرف درآمد در تأمین نیازهای خود و خانواده، طبق اصول فطری و نیز طبیعت بشری است، اما مصرف درآمد برای رفع نیاز مادی دیگران - آن هم نه با چشم داشت سود مادی، و تنها برای تأمین رضای الهی - برآمده از روحی متعالی است که جز از رسول الهی یا کسانی که در مسیر او حرکت می کنند انتظار نمی رود.

به گواه تاریخ، بخشی از درآمد مالی پیامبر اکرم(ص) برای تأمین نیازهای مادی دیگران مصرف می شد، اعم از انفاق به افراد فقیر و تنگ دست یا پرداخت بدهی ها و دیون بدهکاران بی چیز. حرص و رغبت آن حضرت در مسیر انفاق به حدی بود که گاه به مرز بی چیزی و تنگ دستی خود آن بزرگوار می رسید که خداوند در قرآن برای تعدیل این روح متعالی، خطاب به آن حضرت فرمود: و دستت را به گردنت زنجیر مکن [از روی بخل]، و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.

از منظر این روایات، پیامبر اکرم(ص) با وجود منصب نبوت و رهبری، اهل کار و تلاش برای کسب درآمد حلال بود. ایشان در کنار راه های مادی به راه های معنوی، همچون توکل، دعا، استغفار، توبه، امانت داری و ترک خیانت، دائم الوضوء بودن و ازدواج، بی توجه نبود.

در سیره اقتصادی آن حضرت، اصول ثابتی وجود داشت که از آنها عدول نمی کرد؛ اصولی هم چون اهتمام بر حلال بودن درآمد، قناعت و ساده زیستی در مصرف، عدالت و احتیاط در مصرف بیت المال، پرهیز از اسراف و تبذیر و انفاق در راه خدا. هنگامی که آن حضرت از فردی خوشش می آمد، ابتدا می پرسیدند: آیا شغلی دارد؟ اگر می گفتند: بیکار است، می فرمودند: «از چشم افتاد» و هنگامی که سبب را می پرسیدند، می فرمودند: «زیرا مؤمن وقتی بیکار باشد دین خود را اسباب معیشت قرار می دهد.»*

*نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا جباری